

فرهنگ " مستخلص المعانی "

یا

" حل لغات قرآن "

نوشته : ولی ... ظفری

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ خ . که به مدت یک سال و نیم از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، به عنوان استاد اعزامی مامور تدریس زبان فارسی در دانشگاه داکا (بنگلادش) بودم ، ضمن بررسی فهرست نسخه های خطی (۱) موجود در کتابخانه مرکزی آن دانشگاه ، فرهنگی قرآنی به نام " مستخلص المعانی " یا " حل لغات قرآن " به شماره (۹۱۵ / DU) توجهم را جلب کرد . با خواستن کتاب و دیدن آن شور و شوقم برای مطالعه آن افزون شد . کتاب در حجمی حدود یک صد و ده صفحه با خط نستعلیق متوسط ، اما خوانا تحریر شده بود . اگر چه بعضی جاها موربانه خورده بود ، ولی خوشبختانه قسمت های آسیب دیده بیشتر در حاشیه صفحه ها به چشم می خورد و متن نسبه سالم بود . در فهرست کتابخانه این چنین آمده بود :

کتاب در ۵۴ ورق (هر ورق حاوی دو صفحه) ۹/۵×۵/۵ اینچ ، کاغذ دست ساز ، کرم خورده و خط نستعلیق متوسط . تاریخ تالیف (دو نوشت برداری) شعبان ۱۲۷۴ ه . ق / ۱۸۵۸ م . که به دست شخصی به نام " خان محمد - یا - جان محمد " صورت گرفته است . (۱)

" اته " (۲) آن را با شماره ۲۷۰۱ و " کرزون " با شماره ۳۴۶ به نام " خلاصه مستخلص المعانی " معرفی کرده اند و " استوری " هم اشاره ای بدان در کتابخانه " بنکی پور " هند به شماره ۱۱۶۴ و ۱۱۷۴ ج ۱۴ و نیز نسخه موجود در دانشگاه داکا دارد (۳) در فهرست کتابهای چاپی آقای خانبابا مشار هم اشاره ای به چاپ سنگی این کتاب در سال ۱۸۶۶ م . می کند

، (۴) اما این کتاب کجاست ؟ بنده نشانی از آن ندیدم " گر تو دیدی سلام ما برسان " .

در همان زمان که بنده در بنگلادش بودم ، از طریق کتابخانه دانشگاه داکا ، از کتابخانه " بنکی پور " هند تقاضای یک نسخه کپی از آن کتاب کردم ، ولی گویا اولیای آن کتابخانه هم مانند دانشگاه داکا ، به بهانه اینکه نباید ذخایر کتابخانه ها به یغما برود ، درخواستم را اجابت نکردند . نتیجه این شد که بنده ساعتهای متوالی در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا مشغول دستنویسی از تنها نسخه موجود شدم .

نویسنده آغاز کتاب ، پس از حمد خداوند و ستایش رسول ، به علت نگارش کتاب به خواهش خواستاران - که گویا شاگردان و مریدان وی بوده اند - پرداخته و گفته است :

" چون بعضی از اصحاب و فقه‌الله تعالی در تحصیل علوم زبانی تقصیر کرد ، در حال پیری رسیده در آرزو بودند که ایشان را از معانی قرآن حظی کامل و نصیبی شامل بنوعی بدست آید و به حیا بر کسی نمی خواندند ، روزی التماس کردند که چاره نیست از آن که برای مساکینی بسیاری که به خواندن آن به کتابهایی که کودکان می خوانند ، احتیاجی نباشد و در معانی قرآن وقوفی کامل حاصل آید . چون چنین بود ، اجابت کرده شد به جمع این کتاب با لغات و معانی قرآن موجز و مفید و غیر مکرر تا هر که میزان ضبط کند و بعده این کتاب بخواند ، او را به خواندن هیچ کتاب حاجت نباشد ...

و در زبان عربی مستغنی گردد و از معانی قرآن هیچ بردی پوشیده نگردد ... و نام این کتاب " مستخلص المعانی " کرده شد . التماس این ضعیف اینست که چون این کتاب بر دست کسی آمد به فاتحه مدد نماید "

نویسنده همان طور که آورده شد ، از خود به عنوان " ضعیف " یاد می کند و در پایان این نسخه متبرکه مستخلص المعانی فی-کتاب چنین آمده است : " تحریر یافت به عون الله تعالی ... تاریخ شهر شعبان المبارک عشرون خمس سنه ۱۲۷۳ هجری به دست خان محمد

پس اگر نویسنده را " خان محمد " بدانیم و تاریخ نگارش کتاب را ۱۲۷۳ ، نسخه مربوط به صد و پنجاه سال پیش می شود ، و این باشیوه نگارش کتاب و لغات سره فارسی که گویای تالیف کتاب در حدود قرن ششم یا پیش از آن است - و در این باره دلایل خود را خواهم نگاشت - درست در نمی آید و یقین دارم که در قرن سیزدهم همین " خان محمد " نسخه را دستنویس کرده است . به علاوه در عبارت پایان کتاب سخنی از تالیف یا تصنیف کتاب نیست بلکه سخن از تحریر و نوشتن است . و مطمئناً کتاب در هندوستان نوشته نشده چه ادویه " زنجبیل " را نویسنده نشناخته است . (۵)

سیک نگارش کتاب چنین است که از سوره مبارکه " فاتحه الکتاب " و قل اعوذ برب الفلق شروع می کند و ضمن پرداختن به مصدر ، فعل ماضی ، مضارع ، امر و نمی هر فعل ، سوره را به پایان می برسد و آن گاه به سوره های دیگر می پردازد . در تمام سوره های کلی شیوه بر این روال است و به تدریج که پیش می رود

، به خصوص در سوره های مدنی از صورتهای گوناگون یاد شده و نیز از تکرارها می کاهد تا جایی که در اواخر قرآن تنها به ذکر فعل ماضی و مصدر اکتفا می ورزد .

فرهنگ قرآنی دیگری که بر این نهج تالیف شده "لسان التزیل" است از نویسنده ای ناشناس به گفته مصحح محترم آن استاد دکتر محقق - در قرن چهارم یا پنجم هجری (۶) ، این کتاب که به وسیله استاد محقق در ۱۳۴۴ خ . همراه با توضیحات مبسوط در بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است . کتاب اخیر همانند "مستخلص المعانی" از سوره حمد و سوره های مکی می آغازد و به معانی کلمات و ترکیبهای آیات می پردازد که در بیشتر موارد با معانی مستخلص المعانی همسویی دارد ولی در بعضی از معادلهای فارسی با نمونه هایی که از این در فرهنگ عرضه خواهیم داشت ، معانی "مستخلص المعانی" را کهنه تر می بینم و اگر تاریخ تالیف "لسان التزیل" بنا بر حدس استاد محقق ، قرن چهارم یا پنجم باشد ، بنده تاریخ نگارش "مستخلص المعانی" را قرن چهارم می دانم .

کتاب دیگری هم بدین روش به نام "المستخلص" یا "جوهر القرآن" در قرن هفتم به وسیله "محمد بن نصر البخاری" تالیف شده که شادروان دکتر "مهدی درخشان" در سال ۱۳۶۴ خ . آن را تصحیح و در دانشگاه تهران به چاپ رسانده است . (۷)

سبک نگارش این کتاب هم به گونه همان در کتاب پیاد شده است ، با این تفاوت که نویسنده از سوره بقره شروع می کند و اندک اندک از تکرارها کم می کند ، به طوری که سوره های مکی هر یک با چند کلمه تمام می شود و این خود برای "المستخلص" نقض است و "مستخلص المعانی" و "لسان التزیل" را - با آغاز یدن از سوره های مکی - امتیازی ، چه آنان که در قرآن کریم مطالعه و غوری دارند ، به خوبی می دانند که سوره های مکی از جهت ریشه یابی و شناخت خصوصیات صرفی و نحوی و نکته های بلاغی واژه ها و عبارات ، به مراتب دشوارتر از سوره های مدنی است و نیاز به توضیح و شرح بیشتری دارند تا آیات مدنی .

اما دلایل کهنگی کتاب مستخلص المعانی که خود گنجینه ایست از واژه های کهن فارسی

در برابر کلمات عربی :

مصدرها و فعلهای ماضی ، همه جا با پیش جزء "ب" آمده است . مانند :

السطحو : بگستردن (الشمس) الصد : بگردانیدن (المنافقون) . الدفق : بجستن (الصارق) . الخلق : بیافریدن (خلق) . الرق : بیستن (الانبیاء) . الشرب : بیاشامیدن (مطفین) . السعی :

بشتافتن (اللیل) • الخیص: بدوختن (الاعراف) • الایکاء: بگریانیدن (النجم) ارسال: بفرستاد (الفیل) • افلح: برست (الشمس) • تحسون: بکشتید (آل عمران) حتی مصدرهای مرکب هم از این قاعده برکنار نیست:

الحول: از جای بگشتن (الکھف) • از درد بنالیدن ...

مصدرهای پیشوندی:

الطغیان: بیفرمانی کردن (العلق) • الرد: بازگردانیدن (التین) • السور: بر بالاشدن، برشدن (ص) • السلک: بدر آوردن در چیزی (المدثر) • التکنیس: بازگرائیدن (یس) • الطی: در پیچیدن (الزمر) • الاشراب: در خورائیدن (بقره)

مصدرهای فعل متعدی قدیمی فارسی که امروزه کمتر به کار می‌روند • مانند:

النشئه: بالائیدن (زخرف) • الاستماع: گوشیدن (۸): به جای شنیدن (ق) • السجی: آرامیدن (الضحی) • التحطی: خرامیدن (القیامه) • التفهیم: دریا بانیدن (۹): فهماندن (الانبیاء) • الامطار: بارانیدن (الاحقاف) الاماته: میرانیدن (عبس) • التعمیل: شتابانیدن (الفتح) سنقرثک: زود باشد که بخواناییم ترا (الاعلی)، خواناییدن: وادار به خواندن کردن (۱۰) •

مصدرهای مرکب فارسی، مانند:

الحث: سوگند شکستن (ص) الدبور: از پس در آمدن (المدثر) الخبو: بمرون آتش (بنی اسرائیل) الرکض: پای جنبانیدن (ص)

الرص: بنای استوار کردن (الصف) الرجم: کشتن بسنگی (الدخان) الجدال: بسا یکدیگر ستهیدن (المجادله) التوفیق: سازواری کردن (هود)

النفث: از پلیدی بیرون آمدن (الحج) ...

کاربرد واژه های کهن و انتخاب معادلهای زیبای فارسی در برابر واژگان عربی: مانند:

اثیم: بزه مند (مطففین) النحر: اشتر کشتن (الکوثر)

انزع: تباهی کردن (فصلت) النصب: رنجه شدن (الم نشرح)

دابه الارض: مورچه سپید یا دیوک (موریانه) (۱۴- السباء)

النوء: بگرانی خاستن (القصص) الوزر: پناه جای (القیامه)

السراب: گوراب (عم) مطففین که پیمایندگان و کم سنجندگان (مطففین)

العنکوب: جولاهک المستقر: آرام جای (القیامه)

السجده و السجود: سر بر زمین نهادن (العلق) و ...

کاربرد "مر" برای تاکید "را"، مانند:

للمصلین : رمزگزارندگان (الماعون) لکم : مر شمار را (الکافرون)

ایاک : مر ترا (فاتحه الكتاب) ...

در بعضی از کلمات " ابدال " وجود دارد . مانند :

اللزوب : چفسیدن ، به جای چسبیدن (الصافات) و خسته ، به جای هسته

اسب به جای اسب و ...

اسم فاعل مرکب هیچ گاه مرخم نشده است :

مشرکین : انباز آرنندگان (الماعون) مطلقین : نماز گزارندگان (الماعون)

الخراص : دروغ گوینده (الذاریات) العاقر : نازاینده (مریم)

دیگر از خصوصیات سبکی ، تکرار :

الاقیماع : سر بلند کردن و چشم فراز کردن (۴۴-یس) البغی : ستم کردن و بیفرمانی کردن (۲۰

الرحمن)

البوار : هلاک شدن و کاسه شدن (۱۲-الفتح) الهون : اکسان شدن و خوار شدن (۲۰-احقاف)

پای حاصل مصدر یا مصدری در این فرهنگ کاربردی نداشته است و به جای آن از مصدر کامل بهره

گرفته ، مانند : النصیحه : نیک خواستن ، به جای نیک خواهی (۱۲-القصص)

الاغاثه : فریاد خواستن ، به جای فریاد خواهی ، (۲۹-الکھف)

نتیجه : ده موردی که یاد شد ، همه از مختصات فارسی کهن و قدیمی زبان فارسی است (۱۰)

اینک برای مقایسه معدلهای فارسی کاربردی در سه فرهنگ " مستخلص المعانی " و "

لسان التزیل " و " المستخلص " نمونه هایی در زیر می آوریم تا روشن شود که کدام یک قدست

بیشتری دارند

مستخلص المعانی لسان التزیل المستخلص سوره سید : افراشته ، برافراشته ، استوار و بلند بر

آورده الحج الفرات : آب خوش ، خوش اعدب المیه المرسلات البهیمه : ستور ، هر چار پای که در

خشکی ، چهار پای الحج المعرفه و العرفان : بشناختن ، شناختن ، شناختن المطففین العجله : اشتافتن ،

شتافتن -- الهدید : مرغ سلیمان معروف معروف (شانه بسر) النحل همزات : چیز در دل افکندن

وسوسه ها وسوسه المؤمن محراب : پیشگاه مسجد جای عبادت بر بالا جای امام مسجد صالدخل :

بداندرونی کردن تباهی و خیانت خیانت و تباهی النحل استخفاف : سبک داشتن سبک داشتن و سبک

گردانیدن الزخرف سبک گردانیدن چنانکه گفته شد ، زمان تالیف " مستخلص المعانی " مشخص

نیست ولی در مقایسه ، " لسان التزیل " که به گفته استاد دکتر محقق حدود قرن چهارم و پنجم

تالیف شده ، چنین استباط می شود که شاید - بانوجه به گهنگی واژه ها - همزمان و یا پیش از آن به

رشته تحریر در آمده باشد ، اگر چه تاریخ دستنویسی آن ۱۱۷۳ هجری را توسط کاتبی به نام " خان محمد " نشان می دهد .

البته ممکن است گفته شود که نویسنده تحت تاثیر فرهنگها و تفسیرهای یثیین ، خواسته است اثری تقلیدی بوجود آورد ، و این محال است ، چه به تصریح مؤلف که " ... چون بعضی از اصحاب روزی التماس کردند که چاره نیست از آنکه برای ما کتابی بیاری که بخواندن کتابهایی که کودکان میخوانند ، احتیاجی نباشد و درمعانی قرآن و قوفی حاصل آید ... " مصنف جهت استفاده یاران و معاصران از زبان رایج و عوام فهم - که از خصوصیات نثر دینی است بهره گرفته است ، نه از کلماتی مربوط به دوران گذشته برای فاضل نمایی .

